

«فرهیختگان» گزارش می‌دهد

هجوم ناشران کتاب‌ساز به نمایشگاه

نسیم مرعشی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

اصلاً خوب انشا نمی‌نویسم

■ از تمام نویسندگانی که آثارشان را خوانده‌ام، تأثیر پذیرفته‌ام

«فرهیختگان» گزارش می‌دهد

هجوم ناشران کتاب‌ساز به نمایشگاه



محمدحسین سلطانی

چین‌کار

از سمت غرفه نشر چشمه، ۲۰ قدم که فاصله می‌گیرید، بیست قدم بیست قدم با ناشران تک یا دو سیلابی مواجه می‌شویم که شاید اسمشان هم به گوشتان نخورده باشد. البته منظور مان همه ناشران ناشناخته نیستند منظور مان ناشرهایی هستند که وقتی به غرفه‌هایشان نگاه می‌کنی می‌بینی چه نام‌های آشنایی در قفسه‌هایشان وجود دارد و چه جلدهای غریبی برای این کتاب‌ها انتخاب کرده‌اند! به این‌ها می‌گویند: «کتاب‌ساز».

همان‌هایی که یک نسخه از کتاب‌های پرفروش را می‌خرند (البته اگر خیلی انصاف داشته باشند و سراغ نسخه غیرقانونی الکترونیکی نروند)، می‌دهند به هوش مصنوعی و می‌گویند: «پاراگراف‌ها را تغییر بده». البته این کاری است که تازه به‌دوران‌رسیده‌هایشان انجام می‌دهند، کتاب‌سازهای سنتی کار و قدیمی‌تر، کتاب‌ها را می‌دهند به یک میزاینویس دست‌چندم تا تغییراتی رویش اعمال کند و در نهایت با یک جلد بی‌نهایت بی‌کیفیت و با یک کاغذ بی‌نهایت ضعیف کتاب ترجمه‌شده یا تألیف‌شده ناشر مطرح را به نام خودشان می‌زنند، حالا چون هزینه‌های مادی و معنوی کار را کسی دیگر پرداخت کرده، کتاب را با قیمتی پایین‌تر یا برابر با جلد اصلی می‌فروشند و حاشیه سودی چندبرابری. ارشاد این موضوع را متوجه نمی‌شود؟ چرا. هر کسی که یکی دو صفحه از کتاب اصلی را خوانده باشد می‌فهمد حضرات کتاب‌کسی دیگر را به نام خودشان کرده‌اند و حق مترجم، نویسنده و ناشری که چندین ماه و حتی چندین سال برای یک کتاب زحمت کشیده‌اند را مثل آب خوردن بالا کشیده‌اند. اصلاً چه نیازی به خواندن کتاب‌هایشان است، جلدهای مقوایی کتاب‌ها را که ببینی و طرح‌هایی که معلوم است به کافی‌نت‌دار محله داده‌اند، داد می‌زنند که کتاب مال صاحبش نیست اما به توجه به قیمت پایین‌تر یا استفاده از ناآگاهی مردم، حاصل فرایند کتاب‌سازی را به ملت می‌فروشند، سرآخر هم یک نامی که به نظر نویسنده و مترجم می‌آید را روی کتاب می‌زنند و خوشحال از اینکه توانسته‌اند وارد چرخه نشر شوند، ژست فرهنگی گرفته و خود را به نمایشگاه کتاب می‌رسانند. عقل سلیم می‌گوید: حداقل در این مرحله کتاب‌سازها باید متوقف شوند و راهشان به نمایشگاه کتاب مسدود شود.

اگر گمان می‌کنید غائله اینجا تمام می‌شود کتاب‌سازها در این مرحله به بن‌بست می‌خورند، سخت در اشتباهید. برای انجام عمل غیرقانونی هیچ مرزی وجود ندارد. یک لحظه صبر کنید، حالا واقعاً کتاب‌سازی غیرقانونی است؟ در این سال‌ها هیچ کس سعی نکرده کتاب‌سازها را از نمایشگاه بیرون کند؟

■ مثل اینکه هر رفتنی آمدنی دارد

نمایشگاه کتاب ۱۴۰۳، ناگهان ۲۲ کتاب‌ساز غیبتان می‌زند. مثل اینکه نمایشگاه تصمیم می‌گیرد کتاب‌سازها را از نمایشگاه بیرون کند. با چه قانونی؟ بدون هیچ قانونی. تصمیم تصمیم مسئولان است، اما هر تصمیمی که پشتوانه قانونی نداشته باشد، به مرور زمان و با تغییرات رنگ می‌بازد. همین اتفاق

هم می‌افتد، سال ۱۴۰۴، کتاب‌سازها برمی‌گردند. با کتاب‌های جدید ناشران دیگر. راهروی کناری ناشران اصلی جای گرفته‌اند، یکی از راهروهای نمایشگاه تماماً در قرق‌شان است. البته توسط مخاطب هم شناسایی شده‌اند. مخاطب اصلی کتاب فهمیده که کتاب‌سازها کجا هستند و راهرویشان را خلوت کرده اما هنوز هم از میان این تعداد، برخی‌شان درشت‌تر از بقیه به چشم می‌آیند. ماجرای حضور کتاب‌سازها زمینه پرسشی می‌شود از وزیر. دوشنبه ۲۲ اردیبهشت‌ماه، سیدعباس صالحی برای دومین بار به نمایشگاه می‌آید و در مقابل پرسش خبرنگاران قرار می‌گیرد. یکی از پرسش‌های مطرح‌شده دست می‌گذارد روی ماجرای کتاب‌سازی. خبرنگار ایستنا می‌پرسد: «انگار برای جلوگیری از کتاب‌سازها خلأ قانونی داریم؛ درست است؟» وزیر پاسخ می‌دهند: «ما مشکلی از نظر قانونی نداریم؛ مسأله، مربوط به بعد از تصویب قانون است. یعنی درست مثل سایر حوزه‌هایی که حقوق مالکیت در آن‌ها مشخص است، در مراحل بعدی باید با تخلفات، مثل قاچاق کتاب، برخورد شود. در دوره قبلی، ما تلاش می‌کردیم با هماهنگی میان اتحادیه ناشران، نیروی انتظامی و وزارت ارشاد، یک کمیته سه‌جانبه تشکیل شود تا بتوانیم مراحل پیگیری را به‌درستی انجام دهیم. به‌محض این‌که اولین گزارش‌ها از تخلف می‌رسید، سریعاً برای برخورد با افراد متخلف اقدام می‌کردیم. الان هم نیاز به همین کار داریم.»

آنچه وزیر می‌گوید یعنی ارشاد نیاز به قانون مکمل ندارد که بتواند بر اساس آن دست به اقدام بزند. موضوع سر نظارت است و ارشاد در نظارت مشکل دارد.

■ وقتی محل دعاواکم می‌شود

صحبت‌های وزیر تا حدی در محل بحث، پرسش ایجاد می‌کند. اگر مشکل قانونی وجود دارد پس چرا مانند سال گذشته ۲۲ کتاب‌ساز را از نمایشگاه بیرون نکرده‌اند؟ چرا تعداد کتاب‌سازها بیشتر شده؟ اگر مسأله تنها به نظارت مربوط است چرا ارشاد در سال ۱۴۰۳ کتاب‌سازها را از نمایشگاه کنار می‌گذارد اما نمی‌تواند مجوزهایشان را باطل کند؟ آیا تاکنون هیچ تخلفی از سمت این کتاب‌سازها ثبت نشده؟ به عنوان مثال یعنی نشرهایی مانند ثالث و کوله پستی که کتاب «کتابخانه نیمه شب» را ترجمه کرده‌اند به حضور کتابشان با کمی تغییرات در غرفه‌های کتاب‌سازها اعتراض نکرده‌اند؟ باید پذیرفت که یا قانون مشکل دارد یا آیین‌نامه اجرایی آن. اگر این نشرها توانسته‌اند مجوز بگیرند، نمی‌شود از نمایشگاه بیرونشان کرد و اگر مجوزهایشان درست نیست و با مبانی قانونی می‌شود با آن‌ها برخورد کرد، باید مجوزهایشان باطل شود. واقعیت این است که نمایشگاه جایی برای اعمال قانون نیست. مردمی که به نمایشگاه می‌آیند با این پیش‌فرض وارد مصلی می‌شوند که غیرقانونی‌ها جایی در میان غرفه‌ها ندارند و کتاب‌هایی که می‌خرند آثار دیگر ناشران نیست، اینکه مخاطبی، مثلاً همین کتاب «کتابخانه نیمه‌شب» را، از کتاب‌سازها بخرد و به خانه ببرد و با یک جنس درجه دو مواجه شود، یک فاجعه معیار اتفاق افتاده، چون جایی که قرار بوده بتواند به صنعت نشر کمک کند، یک حاشیه امنی ایجاد کرده برای کسانی که در کار نشر خوب و سنگ می‌اندازند و فروش

ناشران واقعی را کاهش می‌دهند.

با کمی دقت در کلیت ماجرا می‌شود فهمید موضوع دور باطل است. اگر قانون مشکل ندارد پس چرا عدم اجرای آن تعریف نشده؟ اگر قانون مشکل دارد پس چرا وزیر می‌گوید موضوع قانون نیست و اجراست؟ اگر قانون کامل است یک کتاب‌ساز باید چند عنوان کتاب‌سازی کند تا با آن برخورد شود؟ مسأله اینجاست که کتاب‌سازی بخش مبهم ماجراست. محسن جوادی، معاون فرهنگی ارشاد روز سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت‌ماه به نمایشگاه کتاب می‌رود و حرف‌هایی می‌زند که موضوع روشن‌تر از قبل می‌شود: «یکی از ابعاد این مسأله به‌گونه‌ای است که حتی با استفاده از سازوکارهای معمول کارگروه تخلفات نیز ممکن است نتوان به‌راحتی با آن مقابله کرد. برای نمونه، در بحث «کتاب‌سازی»، شاهد به‌کارگیری مکانیسم‌های پیچیده‌تری هستیم که شناسایی آن‌ها دشوار است. برای مقابله با این موضوع، باید در بخشی که مجوزهای انتشار کتاب صادر می‌شود، بازنگری جدی‌تری صورت گیرد و از فناوری‌های نوین استفاده شود تا امکان شناسایی چنین مواردی فراهم شود؛ چرا که در حال حاضر، تشخیص این موارد به‌سادگی ممکن نیست.» بنابر گفته وزیر، ارشاد می‌خواهد بنابر تخلفات گزارش‌شده کار را پیش ببرد و با کتاب‌سازها برخورد کند، اما آن‌طور که جوادی می‌گوید، نمی‌داند چه طور باید کاری را انجام دهد که تفاوت میان کتاب‌سازی و تولید کتاب واقعی مشخص شود. پس مسأله بر سر تشخیص است و قانون هم در این زمینه سکوت کرده و هیچ آیین‌نامه‌ای در برخورد با یک کتاب‌ساز وجود ندارد، چرا؟ چون موضوع کاملاً تخصصی است. باز این توضیح هم اصلاً قانع‌کننده نیست؛ یعنی وزارت‌خانه عریض و طویلی مانند ارشاد نمی‌تواند فرق میان کتاب‌سازها و غیرکتاب‌سازها را تشخیص دهد؟!

یک داستان به نظر بی‌ربط همه ماجرا را شرح می‌دهد، چند روز قبل با مسئول غرفه سفارت ترکیه صحبت کردیم و از ایشان پرسیدیم که چرا تا روز دوم نمایشگاه فقط ۲۰ درصد از کتاب‌هایشان رسیده، مسئول غرفه جواب داد: «ارشاد می‌گوید باید کتاب‌ها را بررسی کنیم اما نیروی کافی نداریم!» شاید مهم‌تر از مسأله نیرو، داستان اصلی در آن ماجرا و البته در ماجرای کتاب‌سازی عدم اهتمامی به این موضوع از طرف ارشاد است. ارشاد نمی‌خواهد پیوستی به قانونش ارسال کند و به جای آنکه یک پایش جامع میان همه این کتاب‌سازها (که میان اهالی نشر گاو پیشونی سفید هستند) انجام دهد، همه‌چیز را به گزارش تخلفات بند می‌کند تا موضوع به یک ماده و قانون دیگری ربط پیدا کند و از آن طرف هم اگر گزارشی داده شد، می‌گویند نمی‌دانیم چطور می‌ج این‌ها را بگیریم. حالا همه این ماجرا مربوط به کتاب‌سازهاست، اگر کتاب‌سازهای آشنا به تکنولوژی را هم در ماجرا دخیل کنیم و آن‌هایی که با هوش مصنوعی دست به کتاب می‌زنند، همه چیز می‌شود نور علی‌نور! واقعیت این است که با توجه به وضعیت کنونی توقعی از ارشاد برای کتاب‌سازهای تکنولوژیک نداریم، همین که ارشاد بتواند با کتاب‌سازهای پیشونی سفید قدیمی برخورد کند، به نظر گام بلندی در مقابله با کتاب‌سازی صورت گرفته است.

ماجرای حضور کتاب‌سازها زمینه پرسشی می‌شود از وزیر. دوشنبه ۲۲ اردیبهشت‌ماه، سیدعباس صالحی برای دومین بار به نمایشگاه می‌آید و در مقابل پرسش خبرنگاران قرار می‌گیرد، یکی از پرسش‌های مطرح‌شده دست می‌گذارد روی ماجرای کتاب‌سازی. خبرنگار ایستنا می‌پرسد: «انگار برای جلوگیری از کتاب‌سازها خلأ قانونی داریم؛ درست است؟» وزیر پاسخ می‌دهد: «ما مشکلی از نظر قانونی نداریم.»

در دوره قبلی، ما تلاش می‌کردیم با هماهنگی میان اتحادیه ناشران، نیروی انتظامی و وزارت ارشاد، یک کمیته سه‌جانبه تشکیل شود تا بتوانیم مراحل پیگیری را به‌درستی انجام دهیم. به‌محض این‌که اولین گزارش‌ها از تخلف می‌رسید، سریعاً برای برخورد با افراد متخلف اقدام می‌کردیم. الان هم نیاز به همین کار داریم.»

بنابر گفته وزیر، ارشاد می‌خواهد بنابر تخلفات گزارش‌شده کار را پیش ببرد و با کتاب‌سازها برخورد کند، اما آن‌طور که جوادی می‌گوید، نمی‌داند چه طور باید کاری را انجام دهد که تفاوت میان کتاب‌سازی و تولید کتاب واقعی مشخص شود. پس مسأله بر سر تشخیص است و قانون هم در این زمینه سکوت کرده و هیچ آیین‌نامه‌ای در برخورد با یک کتاب‌ساز وجود ندارد، چرا؟ چون موضوع کاملاً تخصصی است. باز این توضیح هم اصلاً قانع‌کننده نیست؛ یعنی وزارت‌خانه عریض و طویلی مانند ارشاد نمی‌تواند فرق میان کتاب‌سازها و غیرکتاب‌سازها را تشخیص دهد؟!

